

باسمه تعالی

۱ منکرین برائت عقلیه

۲ قول به تفصیل در تکالیف شرعیه و عقلائی

۲ جمع بندی: نیاز به امضاء در تمام حجج عقلائی

۲ بحث اثباتی

موضوع: حجج و امارات / سیره / مقام اول / جهت چهارم

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات قبل وارد اصل بحث از سیره عقلاء شدیم که دو مسلک عدم وصول ردع، و مسلک امضاء وجود داشت. بحث در مسلک عدم وصول ردع گذشت که مورد قبول واقع نشد. در مسلک امضاء نیز دو بحث ثبوتی و اثباتی وجود دارد. بحث ثبوتی شروع شد و در این جلسه ادامه می یابد:

منکرین برائت عقلیه

قائلین به احتیاط عقلی، هر تکلیفی را که متعلق احتمال شود، منجز می دانند؛ و اگر احتمال تکلیف داده نشود، آن تکلیف فعلی غیر منجز می شود. مولی نمی تواند کاری کند که تکلیف معذر تبدیل به تکلیف منجز شود؛ اما می تواند تکلیف محتمل را از تنجز خارج نموده و معذر نماید، به این صورت که اذن در مخالفت تکلیف احتمالی دهد (بعد از اذن مولی، عقلاً مخالفت با آن تکلیف موجب استحقاق عقوبت نیست)؛

تبدیل تکلیف منجز به تکلیف معذر فقط کار مولی است، و غیر مولی نمی تواند این کار را انجام دهد، مگر مولای مولا باشد. به عنوان مثال زید مولای عبدی است که عقلاء بر زید مولویت دارند، لذا عقلاء می توانند اذن در مخالفت تکلیف زید را به عبدش بدهند. شارع مقدس هیچ مولایی ندارد، لذا در تمام موارد احتمال تکلیف موجب تنجیز شده مگر خود شارع ترخیص دهد، و ترخیص عقلاء یا زید یا قانون کافی نیست. همانطور که در دائره مولویت عقلاء «بما هم عقلاء» هیچ مولایی بر عقلاء نیست، بلکه عقلاء بر قانون و عرف ولایت دارند اما بر شارع ندارند.

بنابراین تمام حجج و امارات عقلائی که در دائره شرع امضاء شود، فقط معذر است. به عنوان مثال اگر خبر واحدی دلالت بر وجوب نماز جمعه نماید و احتمال وجوب باشد، این خبر تأثیری ندارد (یعنی همان احتمال منجز تکلیف است)؛ اما اگر خبر

واحد دلالت بر عدم وجوب نماز جمعه کند، به معنای اذن شارع در مخالفت است. پس هر احتمالی منجز تکلیف است، که این تنجیز عقلی بوده و معلق بر عدم اذن مولی در مخالفت است!

قول به تفصیل در تکالیف شرعی و عقلائی

شهید صدر برائت عقلی را هم قبول نموده و هم منکر شده است. ایشان فرموده مولی تقسیم به حقیقی و حقوقی (اعتباری) می‌شود. مولای حقیقی فقط یک مصداق در عالم دارد که همان خداوند متعال است؛ و تمام موالی دیگر حقوقی و اعتباری هستند مانند انبیاء و ائمه علیهم السلام و عرف و قانون و اشخاص؛ برائت عقلیه در تکالیف مولای حقیقی وجود ندارد، اما در تکالیف موالی حقوقی جریان دارد.

پس ایشان دو مدعی دارند که فرمایش ایشان مورد قبول نیست؛ در بحث برائت عقلیه کلام ایشان به صورت مفصل نقل، و نقد و بررسی خواهد شد.

جمع بندی: نیاز به امضاء در تمام حجج عقلائی

در نتیجه نیاز به امضاء شارع در مورد حجج عقلائی، هم در قول به برائت عقلیه و هم در قول به انکار آن، وجود دارد؛ زیرا کسی غیر مولی نمی‌تواند تصرف در مولویت وی نماید. تنجز در مسلک اول به دست مولی بوده، و تعدد در مسلک دوم نیز به دست مولی است.

پس در دائره شرع همیشه نیاز به امضاء وجود دارد، بلکه در تکالیف موالی غیر شرعی نیز امضاء نیاز است. به عنوان مثال زید که مولای شخصی است، باید تمام حجج را امضاء کند (که خواهد آمد با سکوت زید این امضاء به دست می‌آید). اگر زید بگوید خبر ثقه را حجت نمی‌دانم در این صورت واقعاً خبر ثقه بین زید و عبدش معذور نیست.

بحث اثباتی

همانطور که توضیح داده شد هر تکلیفی سه مرحله تشریح و فعلیت و تنجز دارد. بحث در این است که تکالیف مولایی که خارج از مجموعه عقلاست، چگونه فعلی می‌شود؟ یعنی آیا حجج عقلائی موجب تنجیز آن می‌شود، تا مخالفت آن تکلیف استحقاق عقوبت باشد؟ البته فرض بحث این است که مولی آن حجت عقلائی را نه ردع نموده و نه اثبات نموده بلکه نسبت به آن سکوت نموده است.

به عبارت دیگر بحث در این است که آیا این حجج عقلائی به ضمیمه سکوت شارع، موجب تنجیز تکالیف (طبق مبنای برائت عقلیه) و یا موجب تعذیر تکالیف (طبق مبنای انکار برائت عقلیه) می‌شود؟

۱. مراد از تکلیف محتمل، تکلیفی است که در واقع وجود داشته و متعلق احتمال نفسی است؛ در مقابل احتمال تکلیف که ممکن است واقعاً تکلیفی باشد یا نباشد.

حجج دو دسته هستند: اول حججی که در زمان ائمه علیهم السلام وجود داشته؛ و دوم حججی که وجود نداشته‌اند؛ که هر یک مستقلاً بررسی می‌شوند.